

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

ششم مارچ 2012

گذر هائی در فیس بک

(گذر چهلم)

قیوم بشیر هروی

ملبورن - استرالیا

هشتم فبروری 2012

تقدیم به دوست فرهیخته جناب نعمت الله مختارزاده

نعمت

شبی صدای دلم را ، شنیده می آئی

برای مرهم زخم دویده می آئی

فغان و ناله بلند است ز روزگارِ فراق

برای وصل فراق تپیده می آئی

شکسته بال و پر مرغِ ببقرار دریغ
به بال جان و دلت پر پریده می آئی
تو پادشاهِ غزلخوانِ همدیار منی
به بزم شعر و غزل نورسیده می آئی
سروده های قشنگت ترانه های دل است
ز روی صدق و صفا و عقیده می آئی
بیا ببین که بغربت گذشت عمر « بشیر »
تو نعمتی و چو (نعمت) دمیده می آئی

نعمت الله مختارزاده
نهم فیروړ 2012
شهر اسن - المان

تشکر و سپاس تقدیم حضور آقای هروی و دوستان حاضر

کویر حادثه

بلی ، صدای دلت را شنیده می آیم
به پا و پرنه ، ولیکن به دیده می آیم
مفاصل آب، چو سیماب و خشک رگ رگ و پی
چو مرغ بسمل در خون تپیده می آیم
تو ای شهنشه اقلیم هفتگانه شعر
به بارگاهِ حضورت ، سزیده می آیم
گدای تشنه لبم در کویر حادثه ها

سحابِ فاصله ها را دریده می آیم
 به سوء قصدِ من ، هردم فلک به صیادی
 ببین که همچو غزالِ رمیده می آیم
 (بشیر) « نعمتِ » دیدار ، می رسد به خیال
 ز هست و ، بود و ، نبودم ، رهیده می آیم
 جنابِ محترم (اکبرِ حسامی) را
 به شاهی و قضاوتِ خَنیده می آیم
 که شایدم ز محبت ، ببخشم فخری
 بسانِ ذره ، به خوشبختِ شیده می آیم
 پسند (نازی نور) و (سعیده جانِ وثیق)
 چو کُحلِ مِهر، به چشمانِ کشیده می آیم
 (کمنتِ) (صالحه جانِ وهابِ واصل) را
 ز باغِ شعر و ادب ، چیده چیده می آیم
 (حمید) محترم و ، (زکریا) و ، (هارون) و
 (نیاز) و (نعمت ترکان) ، حمیده می آیم
 (گلّی پونه) و (ناهید) و ، (فِ احرارِ)
 حضورِ تک تک شان ، با قصیده می آیم
 سپاس و حرمت و تکبیر و احترام و دُرود
 به خوانِ « نعمتِ » یارانِ پزیده می آیم